دکترين مهدويت و حکومت جهاني مهدوي

علي رباني گلپايگاني

اشاره:

يکي از ارکان مهم دکترين مهدويت حکومت جهاني مهدوي، است که به اقتضاي قواعد عقلي، آيات قرآني و احاديث اسلامي، جهاني به شمار مي رود. حکومت جهاني مهدوي داراي مباني و آرمان ها و دستاوردهاي بزرگ و جهاني است. خداپرستي، عدالت خواهي، تعالي جويي، خاتميت و جهان شمولي اسلام، امامت معصوم، حکومت ديني و ولايي از مباني فلسفي و کلامي حکومت مهدوي به شمار مي روند. لذا تصديق حکومت جهاني مهدوي در گرو پذيرش اصول ياد شده است.حکومت جهاني مهدوي آرمان ها و دست آوردهاي مهمّي دارد که همگي از نيازها و خواسته هاي فطري بشراند، از اين روي مورد وفاق جامعه جهاني بوده و همين امر مهم ترين عامل تحقق پذيري آن خواهد بود. يکتاپرستي که ريشه در فطرت انساني دارد، نخستين محصول عقيدتي حکومت مهدوي است. علاوه بر آن، گسترش فضايل و ارزش هاي ديني و برچيده شدن بساط محرمات و ناپاکي ها از فضاي زندگي بشر خواهد بود. جهان شمولي عدالت و مساوات را مي توان محور اين حکومت در عرصة اجتماعي دانست. فراگير شدن امنيت به صورت کامل، توسعه عمران و آباداني سرزمين ها و به دنبال آن تحقق رفاه عمومي، گسترش و تعميق صفا و صميميّت و برقراري رابطة دوستي خالصانه از خصوصيات ديگر اين حکومت به شمار

مي رود که در پرتو آن زندگي، لذت بخش و بهشت آسا خواهد شد. گويي در پايان عمر دنيا جلوه اي از زندگي دل انگيز بهشتي که در سراي قيامت نصيب پارسايان خواهد شد، در اين جهان به نمايش گذاشته مي شود. رهايي بشريت از آتش فتنه هاي شيطاني، نابودي بدعت ها و احياي سنت هاي نيک معصومان از ديگر دست آوردهاي اين حکومت الهي است و سرانجام عقول بشري تکامل مي يابد و علم و دانش به آخرين درجة کمال خود مي رسد.

در آمد

اعتقاد به ظهور منجي و مصلحي جهاني ايده اي فراگير و همگاني است. به جز کساني که به تاريخ نگاه بدبينانه و منفي دارند، پيروان مکتب ها و اديان مختلف، ايدة مهدويت به معناي مزبور راباور دارند. تفاوتي که در اين باره وجود دارد، مربوط به ويژگي هاي شخصي و شخصيتي مصلح جهاني است. در تفکر اسلامي، منجي و مصلح جهاني "مهدي" نام دارد و از دودمان رسول گرامي اسلامصلي الله عليه وآله است. از ديدگاه شيعة دوازده امامي، مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف از نسل امام حسين عليه السلام و يگانه فرزند امام حسن عسکري عليه السلام است که در نيمة شعبان سال 255 هـ .ق در شهر سامرا ديده به جهان گشود و چون حاکمان عباسي در پي قتل او بودند، خداوند وجود او را از ديدگان پنهان ساخت تا آخرين حجت الهي محفوظ بماند و آن گاه که شرايط ظهور و قيام او فراهم گردد، قيام کند و حکومت عدل جهاني را بر پا سازد. البته جمع کثيري از دانشمندان بزرگ اهل سنت انديشة ولادت و غيبت مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف را مي پذيرند، ولي مشهور آنان بر اين باورند که منجي و مصلح جهاني هنوز به دنيا نيامده و در آستانة ظهور، ديده به جهان خواهد گشود. بررسي دلايل اين دو ديدگاه فرصت و مجال ديگري مي طلبد و از حوصله و رسالت اين نوشتار بيرون است. در اين نوشتار دکترين مهدويت در سه بخش تبيين مي شود:

1. جهاني بودن قيام و حکومت مهدوي؛

2. مباني فلسفي و کلامي حکومت جهاني مهدوي؛

3. اهداف و دستاوردهاي حکومت جهاني مهدوي.

اينک به تبيين محورهاي ياد شده، مي پردازيم:

حکومت جهاني مهدوي

1. عقل و حکومت جهاني مهدوي:

وجود امام معصوم و تصرف او در امور جامعه بشري و مديريت و رهبري سياسي او مظهر و مصداق لطف الهي در مورد مکلفان مي باشد. عبارت معروف خواجه نصيرالدين طوسي در کتاب تجريد الاعتقاد که نوشته:

"وجودُه لطفٌ و تصرفه لطفٌ آخَر و عدمُه منّا".

ناظر به اين مطلب است. البته همين که مکلفان معتقد باشند که امام معصوم وجود دارد؛ اگرچه او را نمي بينند، در نوع رفتار آنها مؤثر خواهد بود و آنان را به طاعت خدا نزديک و از معصيت او دور مي سازد. البته آن حضرت از وضعيت مکلفان آگاه است و اعمال خوب آنها موجب خشنودي و اعمال بد آنان موجب ناراحتي او مي گردد.

از يک طرف وجود امام و رهبري او مصداق لطف الهي است و از طرفي ديگر، موضوع قاعده لطف تکليف و مکلف است و ويژگي هاي جغرافيايي، تاريخي، نژادي، زباني، مکتبي و غيره در اين باره تأثيري ندارد. لذا اين قاعده شامل حال همگان مي شود و جامعة بشري را فرا مي گيرد. بنابراين، مقتضاي برهان عقلي لطف جهاني بودن حکومت مهدوي مي باشد.

2. قرآن و حکومت جهاني مهدوي:

آن دسته از آيات قرآن که ناظر بر حکومت مهدوي هستند نيز بيانگر جهاني بودن آن

مي باشند:

1. (و لقد کَتَبنا في الزبورِ من بعد الذّکرِ اَنّ الأرض يَرِثُها عباديَ الصّالحون) .

هر آينه پس از قطعي نمودن در ذکر (تورات يا قرآن) در زبور نوشتيم که صالحان وارث زمين خواهند شد.

چنان که روشن است در اين آيه از حکومت صالحان بر کل زمين سخن به ميان آمده است.

2. (و نُريدُ أن نَمُنّ علي الذين استُضعِفُوا في الأرض و نَجعلهُم ائمة و نجعلهم الوارثين) .

اراده ما بر اين تعلق گرفته است که مستضعفان در زمين را مورد امتنان و لطف خود قرار داده آنان را پيشوايان بشر و وارثان زمين قرار دهيم.

در دلالت اين آيه بر جهان شمولي حکومت مهدوي، هيچ ترديدي وجود ندارد.

3. (وعدالله الذين آمنوا منکم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض کما استخلف الذين من قبلهم و ليمکنن لهم دينهم الذي ارتضي لهم) .

خداوند خلافت بر زمين را به مؤمنان و صالحان از شما امت اسلامي وعده کرده است چنان که به پيشينيان چنين خلافتي را عطا فرمود و توانايي تحقق بخشيدن به ديني که براي آنان پسنديده است را به آنان خواهد داد.

طبق روايات بسياري از امامان معصوم? اين آيه بر حکومت جهاني مهدوي تطبيق گرديده است ، و مفاد آن خلافت در کل زمين است.

4. (الذين ان مکّنّا هم في الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الأمور) .

انسان هايي که اگر به آنان در زمين مکنت و قدرت عطا کنيم نماز برپا داشته، زکات مي پردازند و امر به معروف و نهي از منکر مي کنند، و فرجام امور از آن خداوند است.

اين آيه، اگرچه شامل حکومت هاي محدود و منطقه اي الهي هم مي شود، ولي شکي نيست که مصداق کامل آن حکومت جهاني مهدويعجل الله فرجه اشريف است، بدين جهت امام باقر عليه السلام فرموده: اين آيه مربوط به مهدي آل محمدعجل الله فرجه اشريف و ياران او است؛ خداوند آنان را مالک شرق و غرب جهان مي سازد، او دين را آشکار نموده و با کمک يارانش بدعت و باطل را از ميان بر مي دارد.

3. حکومت جهاني مهدوي در روايات:

روايات پيامبرصلي الله عليه وآله و خاندان پاک او آشکارا بر جهاني بودن حکومت مهدوي دلالت دارند. چنان که در حديث مشهوري که از پيامبرصلي الله عليه وآله روايت شده فرموده است:

اگر حتي جز يک روز از عمر دنيا باقي بماند خداوند مردي از خاندان مرا بر مي انگيزد تا جهان (زمين) را پر از عدل و داد سازد، چنان که پيش از آن ظلم و جور فراگير شده بود.

اميرالمؤمنين عليه السلام نيز فرموده است:

"دنيا پس از اين که به ما پشت کرده سرانجام به سوي ما باز خواهد گشت همان گونه که شتر چموش به سوي فرزندش باز مي گردد".

آن گاه آية (و نريد ان نمن علي الذين استضعفوا في الارض...) را تلاوت فرمود. ابن ابي الحديد در شرح سخن امام عليه السلام گفته است به اعتقاد اصحاب ما اين سخن امام ظهور و قيام امامي را وعده مي دهد که مالک زمين گرديده و بر همة سرزمين ها استيلا مي يابد.

امام باقر عليه السلام نيز فرموده:

قائم (مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف) از خاندان ماست، نصرت خداوند او را تأييد مي کند و با ايجاد رعب در دل دشمنان از نصرت الهي بهره مند مي گردد، همة زمين در اختيار او قرار مي گيرد و گنجينه ها و اندوخته ها بر او آشکار مي شود، حکمراني او شرق و غرب را در بر مي گيرد، خداوند به واسطة او دين خود را بر همة اديان مسلط و نمايان مي گرداند هر چند مشرکان خوش ندارند.

روايات در اين باره بسياراند ولي به نمونه اي ياد شده بسنده مي کنيم.

ب: مباني حکومت جهاني مهدوي

مقصود از اين مباني، مقدمات و مقومات فکري و اعتقادي حکومت جهاني مهدوي

مي باشد، يعني تصوير و تصديق حکومت جهاني، متوقف بر تصوير و تصديق آنهاست. اين مباني عبارت اند از:

1. خدا پرستي:

از آن جا که حکومت جهاني مهدوي حکومتي است الهي نخستين مبنا و شالودة فکري و عقيدتي آن خداپرستي است، يعني تصوير حکومت جهاني مهدوي ـ آن گونه که در شريعت اسلامي ترسيم شده ـ در گرو اعتقاد به وجود خداوند و پرستش او است. کسي که خدا را انکار کند و او را نپرستد، نمي تواند به حکومت جهاني مهدوي معتقد گردد.

به عبارت ديگر: نخستين گام تئوريک براي قبول حکومت جهاني مهدوي نفي ماترياليسم و پذيرش جهان بيني الهي و توحيدي است.

براهين اثبات وجود خداوند و نفي ماترياليسم در کتاب هاي کلامي و فلسفي بيان گرديده است.

2. عدالت خواهي و تعالي جويي انسان:

انديشة حکومت جهاني مهدوي، که پرچمدار عدالت و تعالي انساني در سطح جهاني است، بر اين اصل استوار است که انسان فطرتاً عدالت خواه و تعالي جو است. اگرچه تاريخ بشر کارنامة درخشاني در اين باره نداشته و همواره ستم گري و تباهي گرايي قدرت طلبان و سلطه گران راه را بر بسط عدالت و تعالي جوامع بشري بسته و عدالت خواهي و تعالي جويي قربانيان بي شماري داده است، ولي تمايل به عدالت و عشق به فضيلت هيچ گاه از زندگي بشر به کلي رخت بر نبسته و همواره انسان هاي برجسته و بي شماري در اين راه فداکاري کرده اند. امروز نيز چراغ عدالت هم چنان پرفروغ است، منتها در طول تاريخ انسان هاي شيطان سيرت با استفاده از جهالت و اهرم هاي شيطاني ديگر مانع بسط و گسترش چنين روحيه و انديشه اي در جهان شده و اجازه نداده اند اين تمايل و انديشه به صورت يک عزم جهاني نمايان گردد. لذا اين پديدة فرخنده در آيندة تاريخ رخ خواهد داد و زمينه حکومت جهاني مهدوي فراهم خواهد شد.

3. اسلام و خاتميت:

حکومت جهاني مهدوي حکومتي اسلامي است، بر اين اساس، دومين مبناي فکري و تصديقي آن پذيرش اسلام به عنوان آخرين شريعت آسماني است.

4. جهان شمولي اسلام:

شريعت اسلام، علاوه بر اين که آخرين شريعت الهي مي باشد، آييني است همگاني و جهان شمول و چنان که برخي پنداشته اند، تنها به جامعة عرب اختصاص ندارد. دلايل جهان شمولي اسلام در کتاب هاي کلام و تفسير تبيين شده است.

5. اسلام و حکومت:

حکومت يکي از ارکان شريعت اسلام است، اين گونه نيست که اسلام صرفاً به مسايل اعتقادي، اخلاقي و اخروي پرداخته باشد، بلکه به حيات مادي و دنيوي بشر نيز اهتمام ورزيده و تحقق امنيت و عدالت را در جامعه بشري از اهداف بزرگ خود قرار داده است. البته اين مسئله اختصاص به اسلام ندارد، بلکه همة شريعت هاي آسماني داراي چنين ويژگي اي بوده اند. اين مطلب از آيات مربوط به نبوت عامه به روشني به دست مي آيد، زيرا در اين آيات از داوري در اختلافات ميان مردم و برپايي قسط در جامعه به عنوان اهداف عمومي پيامبران ياد شده است. اصولاً بخش عظيمي از احکام اسلام به گونه اي است که بدون تشکيل حکومت اسلامي زمينة اجراي آنها به نحو مطلوب فراهم نخواهد شد.

بنابراين، يکي از مباني نظري حکومت جهاني مهدوي نفي نظرية سکولاريسم و جداسازي حکومت از دين است. لذا آنان که به سکولاريسم اعتقاد دارند نمي توانند حکومت جهاني مهدوي را قبول و باور داشته باشند. در اين جا، سکولارهاي مسلمان با انبوه رواياتي روبرو خواهند شد که از حکومت جهاني مهدوي سخن به ميان آورده و از عدالت و امنيت جهاني و عمران سرزمين ها به عنوان دست آوردهاي بزرگ آن ياد کرده اند. بدون شک اين روايات انديشة سکولاريسم را، به ويژه در مسئله مهدويت، مردود مي سازند.

6. حکومت ولايي:

حکومت جهاني مهدوي حکومتي ولايي است، حکومت ولايي ريشه در ولايت و مشيت خداوند دارد و مشروعيت حکومت از ولايت و مشيت خداوند سرچشمه مي گيرد، برخلاف حکومت هاي امروزي بشر که منشأ مشروعيت آنها خدايي نيست، حال يا نژاد و وراثت است، مانند حکومت هاي سلطنتي، يا غلبه و استيلاي نظامي است، مانند حکومت هاي کودتايي، يا رأي و خواست اکثريت افراد يک جامعه است مانند حکومت هاي دموکراتيک. منطق حکومت ولايي اين است که هيچ کس بدون رضايت ديگران حق تصرف در امور ديگران را ندارد، و از طرفي معمولاً رضايت همگاني براي دخالت فرد يا افرادي در سرنوشت آنها حاصل نمي شود.

براين اساس، هيچ يک از حکومت هاي بشري از مشروعيت ديني برخوردار نيستند، اما حکومت ولايي که از ولايت و مشيت خداوند سرچشمه مي گيرد، از چنين مشروعيتي برخوردار است، زيرا خداوند، آفريدگار و مالک انسان و جهان است و بالذات حق تصرف در امور بندگان خود را دارد، و از طرفي، افعال الهي ـ اعم از تکويني و تشريعي ـ بر مبناي علم و حکمت و رحمت استوار است و هيچ گونه عيب و نقصي در آن راه ندارد. بر اين اساس اگر کسي را به عنوان پيشواي ديني و دنيوي مردم برگزيند، از مشروعيت ديني برخوردار خواهد بود. البته، اعمال رهبري سياسي و اجتماعي بدون مقبوليت مردم امکان پذير نيست، از اين رو تحقق يافتن حاکميت سياسي پيامبران و امامان منوط به آمادگي و پذيرش جامعه بوده که اين شرط در مواردي تحقق يافته، و در موارد بسياري نيز تحقق نيافته است. بدون شک شرط مزبور در حکومت جهاني مهدوي به شکل ايده آل تحقق خواهد يافت و در نتيجه مشروعيت الهي آن با مقبوليت عمومي بشر هم آهنگ خواهد گرديد.

البته، شرط ولايي بودن با شرط هاي پيشين اين تفاوت را دارد که اگر کسي به حکومت ولايي هم اعتقاد نداشته باشد ولي حکومت اسلامي را به رهبري حضرت مهديعجل الله فرجه اشريف بپذيرد مي تواند به حکومت جهاني مهدوي اعتقاد داشته باشد، هر چند مبناي مشروعيت آن را خواست مردم بداند، چون پيش فرض حکومت جهاني مهدوي اين است که حداقل، عموم مستضعفان جهان رهبري آن پيشواي دادگستر را خواهند پذيرفت و از او حمايت خواهند کرد. از ديدگاه اين افراد مقبوليت عمومي حکومت مهدوي تأمين کنندة مشروعيت ديني آن هم خواهد بود، ولي مطابق نظريه ولايي بودن حکومت، مشروعيت ديني و مقبوليت مردمي دو مقولة جدا از يک ديگر مي باشند.

7. امامت معصوم:

حکومت جهاني مهدوي براساس ديدگاه شيعه، توسط آخرين امام معصوم تحقق خواهد يافت، لذا امامت معصوم نيز يکي از مباني اين حکومت به شمار مي رود. روشن است که اين شرط از ديدگاه مذاهب غيرشيعي لازم نمي باشد. اما از آن جا که به مقتضاي دلايل عقلي و نقلي مذهب شيعة اثنا عشري کامل ترين مذهب اسلامي است، انديشة مهدويت در کامل ترين شکل آن در اين مذهب تبلور يافته است.

دست آوردهاي حکومت جهاني مهدوي

دست آوردهاي حکومت جهاني مهدوي با آرمان هاي آن برابر است، زيرا عموم انسان ها آرزوي تحقق آن را دارند و نمونة اعلاي حکومت هايي است که تمام پيامبران الهي و عدالت خواهان جهان در پي برپايي آن بودند، ولي در مقياس جهاني جامة عمل بر تن نکرده است؛ به هر حال حکومت جهاني مهدوي حکومتي است که تجلي کامل مشيت الهي در قالب حکومت ولايي در زندگي بشري است. بنابراين، در بارة حکومت جهاني مهدوي مي توان گفت آن چه همة حکومت هاي خوب دارند و يا بايد داشته باشند، اين حکومت به تنهايي در بردارد. از اين روي، حکومت جهاني مهدوي فصلي از کتاب تاريخ سياسي، عقيدتي، اخلاقي، عرفاني و اجتماعي بشر را رقم خواهد زد که عصارة همة مکارم و فضايل انساني است.

اين حکومت از يک سو نقطه پايان حيات بشري در سراي دنيا و مطلع زندگي اخروي خواهد بود و آن چه در اين حکومت در حد ظرفيت دنيا تبلور خواهد يافت حاکميت، علم، قدرت، حکمت، عدالت، رحمت الهي در زندگي انسان است و مستکبران مستوجب قهر الهي مي شوند.

از سوي ديگر، مستضعفان طعم شيرين عدالت و رحمت را در همة ابعاد زندگي اجتماعي خواهند چشيد، چنان که مجموعة حيات بشري نشان گر علم، قدرت، حکمت و رحمت خداوندي خواهد بود. در چنين شرايطي نظام زندگي اجتماعي بشر بر حقيقت استوار خواهد گرديد و ستم گري، جهالت و امثال آن ريشه کن خواهد شد.

ما در اين جا با الهام گيري از آيات و روايات نمونه هايي از دست آوردهاي حکومت جهاني مهدوي را بازگو مي کنيم، چون آگاهي از اين دست آوردها و توجه به آنها مي تواند زمينة سنجش حکومت جهاني مهدوي را با حکومت هاي ديگر که فيلسوفان و سياست مداران غربي تحت عنوان "جهاني سازي" از آن ياد مي کنند فراهم مي سازد:

1. جهان شمولي يکتاپرستي و اسلام

پيامبران الهي از آدم تا خاتم مناديان توحيد و يکتاپرستي بوده اند:

(و لقد بعثنا في کل امةٍ رسولاً ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت.)

"هر آينه در ميان هر امتي پيامبري را برگزيديم تا آنان را به پرستش خداوند و دوري از طاغوت دعوت نمايد".

نهضت هاي پيامبران با توحيد آغاز شده و نخستين شعار و پيام آنان اين بوده:

(اعبدوالله ما لکم من اله غيره) .

پيامبر گرامي اسلامصلي الله عليه وآله نيز در نخستين شعار و پيام خود به مردم فرمود:

(قولوا لا اله الا الله تفلحوا).

اما در طول تاريخ بشر پيوسته طاغوتيان در برابر پيامبران ايستادند و از تحقق اين آرمان الهي در شکل جهاني و همگاني آن جلوگيري کردند، اما اين آرمان در حکومت جهاني مهدوي واقعيت خواهد يافت.

(هوالذي ارسل رسوله بالهدي و دين الحق ليظهره علي الدين کله و لوکره المشرکون).

اوست خدايي که رسول خود را با هدايت و دين حق فرستاد تا آن را بر همة اديان غالب و نمايان سازد اگرچه مشرکان آن را نپسندند.

در احاديث متعددي که از طريق شيعه و اهل سنت روايت شده آمده است که آية ياد شده ناظر به ظهور مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف و هنگامي است که حضرت عيسي عليه السلام از آسمان به زمين فرو مي آيد. در آن زمان هيچ آييني جز اسلام رسميت نخواهد داشت. سيوطي از جابربن عبدالله انصاري روايت کرده که گفته است:

اين آيه تحقق نمي يابد مگر هنگامي که يهودي و نصراني پيرو هيچ آيين آسماني اي جز اسلام نخواهد بود و اين زماني است که عيسي بن مريم از آسمان نازل مي شود.

شيخ صدوق از ابوبصير روايت کرده که گفت: امام صادق عليه السلام دربارة آيه ياد شده فرمود:

تأويل اين آيه هنوز تحقق نيافته، و تا وقتي قائم ما خروج ننمايد تأويل آن تحقق نخواهد يافت، هنگامي که او قيام کند هر کافر و مشرکي از قيام او ناخشنود خواهد بود.

طبرسي از امام باقر عليه السلام روايت کرده که فرمود:

اين آيه هنگام خروج مهدي آل محمدصلي الله عليه وآله تحقق خواهد يافت در آن زمان هيچ کس باقي نخواهد ماند مگر اين که به پيامبر اسلامصلي الله عليه وآله ايمان مي آورد.

در اين جا يادآوري دو نکته لازم است:

الف) گرچه آيين هاي يهود و مسيحيت نيز به عنوان اديان ابراهيمي و توحيدي شناخته مي شوند، ولي با توجه به عقايد آنان دربارة عزير و مسيح عليه السلام و نيز دربارة احبار و رهبان و نظاير آن اين اديان توحيدي خالص نيستند. و يگانه آيين توحيدي خالص آيين اسلام است، از اين رو، در حکومت جهاني مهدوي توحيد با معيار اسلامي آن در جهان گسترش خواهد يافت و در نتيجه آن چه به عنوان دين رسمي پذيرفته مي شود تنها دين اسلام است.

ب) غلبه و ظهور دين اسلام بر اديان ديگر دو جلوه دارد. يکي از نظر منطق و استدلال، و ديگري از نظر حاکميت سياسي. آن چه تا کنون تحقق نيافته و با قيام امام عصرعجل الله فرجه اشريف تحقق خواهد يافت، نوع دوم است اما نوع نخست از آغاز ظهور اسلام پيوسته محقق بوده و خواهد بود.

(أفغير دين الله يَبغُونَ و لَهُ أسلم مَن في السموات والأرض طوعاً و کرهاً) .

آيا جز دين خداوند را بر مي گزينند در حالي که همة کساني که در آسمان ها و زمين هستند از روي رضايت يا کراهت تسليم او شده اند.

در تأويل اين آيه از امامان معصوم? روايت شده که مقصود از اسلام توحيد و يکتاپرستي است، و تحقق آن به صورت جهاني و همگاني در زمان ظهور و قيام مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف تحقق خواهد يافت. عياشي از امام صادق عليه السلام روايت کرده که پس از تلاوت اين آيه فرمود:

هنگامي که قائم عليه السلام قيام کند سرزميني يافت نخواهد شد مگر آن که در آن به يگانگي خداوند و نبوت پيامبر اسلام گواهي داده خواهد شد.

از امام کاظم عليه السلام هم روايت شده که فرمود:

اين آيه ناظر به قيام قائمعجل الله فرجه اشريف مي باشد. در آن هنگام پيروان همة مذاهب يا از روي رضايت يا کراهت آيين اسلام را خواهند پذيرفت.

2. گسترش فضايل و ارزش هاي ديني

حکومت جهاني مهدوي نمونه اي ايده آل از يک حکومت ديني است، طبيعي است که

آن چه براي يک حکومت ديني اولويت دارد توسعه و تعميق باورها و رفتارهاي ديني مردم است. البته اين کار نيازمند برنامه ريزي جامع است تا مسايل رفاهي و نيازهاي طبيعي و دنيوي بشر را هم در برداشته باشد. چنان که پس از اين بيان خواهد شد. اين مسايل در حکومت جهاني مهدوي جايگاه خاص خود را دارند. اما اينک سخن از دست آوردهاي حکومت جهاني مهدوي است که يکي از آنها گسترش فضايل و ارزشهاي ديني در گسترة جهاني است.

يکي از مهم ترين ارکان تحقق اين آرمان اين است که دولت مردان و کارگزاران حکومت مهدوي از شايسته ترين انسان ها و دين دارترين آنها خواهند بود:

(اِنّ الأرض يرثُها عبادي الصالحون) .

"صالحان وارثان زمين خواهند شد."

(الذين ان مکناهم في الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر).

"آنان کساني اند که نماز بر پا مي دارند، زکات مي دهند، امر به معروف و نهي از منکر مي کنند."

دربارة ياران حضرت مهديعجل الله فرجه اشريف که در حقيقت عناصر اصلي حکومت مهدوي مي باشند، روايت شده است که مصاديق آيه کريمة (يا ايها الذين آمنوا من يرتد منکم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه اذلّة علي المؤمنين اعزة علي الکافرين يجاهدون في سبيل الله و لايخافون لومة لائم ذلک فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم) مي باشند. اين آيه کريمه از انسان هايي خبر مي دهد که خداوند آنان را در آينده پديد خواهد آورد، خداوند آنان را دوست مي دارد و آنان نيز خداوند را دوست مي دارند، در برابر مؤمنان اظهار ذلت مي کنند و با کافران با عزت برخورد مي کنند، در راه خدا جهاد کرده و از ملامت ملامت گران نمي هراسند. اين ويژگي ها جلوه هايي از فضل خداوند است که بر اساس مشيت حکيمانه اش به افراد مي دهد.

بي شک هر گاه رهبران سياسي جامعه انسان هايي پارسا و متديّن باشند، جامعه به سوي پارسايي و دين داري گرايش خواهد داشت. چنان که گفته شده است: "الناس علي دين ملوکهم". لذا با توجه به اين عوامل جامعه در عصر حکومت مهدوي جامعه اي است که به احکام، فضايل و ارزش هاي ديني اهتمام مي ورزد و مردم را به عبادات اسلامي سوق مي دهد. چنان که از اميرالمؤمنين عليه السلام درباره دوران حضرت مهديعجل الله فرجه اشريف چنين روايت شده:

"و يقبل الناس علي العبادات والشرع والديانة والصلوة في الجماعات و تؤدي الأمانات."

"مردم به عبادات و اهتمام به شرع و دينداري و نمازهاي جماعت روي مي آورند و امانت ها به صاحبانشان بازگردانده مي شود."

3. برچيده شدن بساط محرمات الهي

اين دست آورد در حقيقت متمم و مکمل دست آورد پيشين و ملازم با آن است، زيرا هنگامي که در جامعة جهاني فرهنگ فضايل و ارزش هاي ديني حاکم گردد زمينه اي براي ظهور گناه و ناپاکي باقي نخواهد ماند، و از طرف ديگر بدون برچيده شدن بساط ناپاکي ها و محرمات الهي فرهنگ فضايل و ارزش هاي ديني حاکم نخواهد شد. چنان که اميرالمؤمنين عليه السلام درحديث مذکور فرموده است:

"و يذهب الزنا و شرب الخمر و يذهب الربا".

"(در عصر حکومت مهدوي) بساط زنا، شراب خواري و رباخواري برچيده خواهد شد."

4. جهان شمولي عدالت و مساوات

جهان شمولي عدالت و برابري در حکومت مهدوي از چنان جايگاه بالا و والايي برخوردار است که به عنوان بيت الغزل مهدويت در تفکر اسلامي به شمار مي رود و در احاديث مهدويت به عنوان برجسته ترين آرمان قيام مهديعجل الله فرجه اشريف مطرح گرديده است. اين برجستگي از يک سو، به دليل جايگاه ويژه اي است که عدالت و مساوات در جهان بيني توحيدي دارد و از سوي ديگر تمام ارزش ها را در بردارد. اگر عدالت در عرصه هاي مختلف فردي و اجتماعي انسان تحقق يابد، چيزي جز توحيد، و ملکات انساني تحقق نخواهد يافت. البته، اين نکته را نبايد فرو گذاشت که عدالت آن گاه که با مقوله حکومت همراه گردد پيش از هر چيز به عدالت اجتماعي مانند اقتصادي، حقوقي، سياسي و... نظر دارد و ناظر به مسايل اعتقادي و اخلاق فردي نيست. اميرالمؤمنين عليه السلام در اين باره فرموده:

"إنّ افضل قرة عين الولاة استقامة العدل في البلاد".

"بهترين چشم روشني براي حاکمان اين است که در سرزمين هاي تحت حکومت آنان عدالت بر پا گردد."

اين مسئله به شکل کامل در حکومت جهاني مهدوي تحقق خواهد يافت.

ابوسعيد خدري از پيامبر اکرمصلي الله عليه وآله روايت کرده که فرمود:

شما را به مهدي بشارت مي دهم. او زمين را آکنده از عدالت خواهد کرد آن گونه که پيش از او پر از ظلم و ستم شده بود، لذا اهل آسمان ها و زمين از او راضي خواهند بود. او اموال را به طور يکسان ميان مردم تقسيم مي کند.

مقصود از اموال در اين روايت، اموال عمومي و اموال متعلق به عموم مردم است. در چنين اموالي همة افراد به طور يکسان سهم دارند و تفاوت هاي قومي، نژادي، مقامي، مالي و غيره ملاک امتياز در سهم بيشتر نخواهد بود، نه ثروتمند مي تواند مدعي سهم بيش تر شود و نه فقير. آري، در شريعت اسلامي براي فقيران حقوق مالي ويژه اي در اموال ثروتمندان در نظر گرفته شده است که هر گاه ثروتمندان آن حقوق را بپردازند، مشکل اقتصادي مستمندان هم حل خواهد شد.

البته در حکومت مهدوي، هم اموال عمومي به طور يکسان در ميان مردم تقسيم مي شود و هم سهم ويژة مستمندان از اموال ثروتمندان دريافت و به آنان پرداخت مي گردد.

5. فراگيري امنيت

امنيت يکي از مقوله هايي است که پيوسته مورد توجه حاکمان و سياست مداران بوده است. لذا يکي از آرمان هاي حکومت مهدوي برقراري امنيت در جامعه است. به گونه اي که جان، مال و حيثيت افراد جامعه از تجاوز ديگران در امان باشد. در جامعه اي که امنيت برقرار نباشد زندگي تلخ و ناگوار خواهد بود. رسالت حکومت جهاني تحقق امنيت براي همة شهروندان، به ويژه مظلومان و مستضعفان است، زيرا آنان بيش تر در معرض نا امني اند. بدين جهت اميرالمؤمنين عليه السلام يکي از آرمان هاي حکومت اسلامي و علوي را ايجاد امنيت مظلومان مي داند:

"فيأمن المظلومون من عبادک".

در حديثي آمده است:

"اذا قام القائمعجل الله فرجه اشريف حکم بالعدل و ارتفعَ الجورَ و آمنت به السبلَ" .

"هنگامي که قائمعجل الله فرجه اشريف قيام کند براساس عدالت، داوري مي کند و بساط ستم گري برچيده خواهد شد و به واسطة او راه ها امنيت خواهد داشت."

در حديث ديگري از امام باقر عليه السلام روايت شده که فرمود:

"امنيت در عصر حکومت مهدويعجل الله فرجه اشريف به گونه اي است که پيرزني مي تواند از مشرق به سوي مغرب سفر کند و هيچ کس به او آزاري نرساند."

6. توسعه عمران و آباداني

يکي از اهداف حکومت هاي ديني و رسالت هاي حاکمان الهي آباد کردن و عمران سرزمين ها و مناطق مسکوني بوده است. اين مسئله از ديدگاه قرآن کريم يکي از رسالت هاي آدميان است، چون خداوند اين کرة خاکي را مهد آسايش و آرامش بشر قرار داده است.

بر همين اساس اميرالمؤمنين عليه السلام در آغاز عهدنامة خود به مالک اشتر از او خواسته است تا به عمران و آباداني سرزمين هاي الهي تحت حکومت خود بپردازد: "عمارة بلادها".

اين دست آورد حکومت جهاني در روايات متعددي که شيعه و اهل سنت روايت کرده اند آمده است؛ مانند:

الف. اِنّه يبلغ سلطانه المشرق والمغرب و تظهر له الکنوز ولايبقي في الارض خراب الا يعمّر.

حکومت مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف شرق و غرب عالم را فرا مي گيرد، و گنج هاي نهفته در زمين براي او آشکار مي شود، و هيچ جاي ويراني در زمين باقي نمي ماند و همة آنها آباد مي گردد.

ب. يبلغ سلطانه المشرق و المغرب، و يظهر الله عزوجل به دينه علي الدين کله و لوکره المشرکون، فلا يبقي في الارض خراب الا قد عمّر.

فرمان روايي مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف شرق و غرب عالم را در بر مي گيرد، خداوند به واسطة او دين خود را بر همة اديان غالب مي گرداند و در زمين خرابه اي باقي نمي ماند، و همگي آباد مي شود.

نکتة شايان ذکر اين که آباداني زمين دو جلوه دارد: جلوة مادي و جلوة معنوي. در

جهان بيني توحيدي عمران و آباداني زمين در شکل ايده آل آن در گرو تحقق هر دو جلوة است. اصولاً آباداني مادي اگر با آباداني و اصلاح معنوي همراه نباشد، آباداني نخواهد بود، زيرا آباداني حيات انساني آنگاه تحقق مي يابد که حيات معقول او آباد باشد و آباداني مادي و جسماني در خدمت حيات معقول او قرار گيرد. لذا در حديث پيشين جملة "فلا يبقي في الارض خراب الا قد عمّر" بر حاکميت فرهنگ توحيدي اسلام بر مشرق و غرب متفرع گرديده است و اين تفريع بيان گر دو نکته است:

الف: جامعة توحيدي و اسلامي بايد به مسئله آباداني و عمران سرزمين ها اهتمام ورزد.

ب: عمران وآباداني واقعي در گرو حاکميت فرهنگ توحيدي واسلامي درجوامع بشري است.

از پيامبر اکرمصلي الله عليه وآله روايت شده است که خداوند در شب معراج به من فرمود:

به واسطه قائم از خاندان تو زمين خود را با تسبيح و تهليل و تقديس و تکبير و تمجيد خود آباد مي سازم، و زمين را از دشمنان پاک مي سازم و دوستان خود را وارث آن مي گردانم.

7. رفاه عمومي

در جهان بيني توحيدي فقر و تهي دستي امر نامطلوبي است. بدين جهت يکي از

رسالت هاي مهم پيامبران الهي مبارزه با پديدة فقر و تهي دستي بوده است. لذا در شرايع آسماني براي حل اين معضل اجتماعي راه کارهايي انديشيده شده است که کامل ترين آن در شريعت اسلام است. خداوند بر قريش منت مي گذارد که بواسطة قرار دادن خانه کعبه در شهر مکه آنان را از دو خطر ناامني و فقر نجات داده است زيرا آنان از طريق تجارت به سرزمين هاي ديگر معيشت خود را تأمين مي کردند و به دليل احترام خانة کعبه راهزنان متعرض آنها نمي شدند. و اينک مقتضاي شکر اين دو نعمت اين است که خداوند را عبادت کنند.

(فليعبدوا ربّ هذا البيت الذي اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف).

با اين حال فقر و تهي دستي يکي از معضلات ناگوار بشر بوده است و با همة کوشش ها و تدبيرهايي که انجام گرفته به صورت مطلق ريشه کن نشده و هيچ گاه رفاه عمومي فراهم نگرديده است. امروزه نيز سازمان ها و نهادهاي گوناگوني به نام مبارزه با فقر و تهي دستي وجود دارند و تلاش هايي نيز مي کنند، ولي متأسفانه آمار تهي دستان و حتي کساني که به سبب فقر و بيچارگي به کام مرگ مي روند، روز به روز بالا مي رود. اما در حکومت جهاني مهدوي فقر و تهي دستي به کلي ريشه کن خواهد شد و رفاه عمومي تحقق خواهد يافت.

از پيامبر گراميصلي الله عليه وآله روايت شده که فرمود:

در دوران حکومت مهدوي مردم به گونه اي از نعمت هاي الهي بهره مند مي شوند که در تاريخ بشر بي سابقه بوده است، در آن دوران زمين همة خوردني هاي خود را در اختيار بشر قرار مي دهد و اموال روي هم انباشته خواهد بود. به گونه اي که افراد به سهولت از آن بهره مند مي گردند.

در حديثي از امام صادق عليه السلام روايت شده که فرمود:

در عصر حکومت مهدوي زمين گنج هاي خود را آشکار خواهد کرد و مردم آنها را مشاهده مي کنند و از نظر معيشت به گونه اي هستند که فردي در طلب يافتن شخصي بر مي آيد که از مال خود به او انعام نمايد و زکات مالش را به او بپردازد، ولي پيدا نمي کند، زيرا مردم به آنچه خداوند به آنها روزي داده از ديگران بي نياز مي باشند.

ابوسعيد خدري از پيامبرصلي الله عليه وآله روايت کرده که فرمود:

عدالت مهدوي شامل عموم مردم مي شود [و در نتيجه فقر و نيازمندي از جامعة بشري رخت بر مي بندد لذا هنگامي که] فردي از طرف حضرت مهديعجل الله فرجه اشريف اعلان مي کند که اگر کسي به مال و ثروت احتياج دارد برخيزد، تنها يک نفر قيام مي کند. امام عليه السلام او را نزد مسئول بيت المال مي فرستد تا اموالي را به وي عطا کند، خزانه دار جامة او را پر از مال و ثروت مي کند، در اين هنگام آن فرد از کرده خود پشيمان مي گردد و با خود مي گويد من آزمندترين فرد امت پيامبرصلي الله عليه وآله بودم که چنين درخواستي کردم و اموال را به مسئول بيت المال باز مي گرداندولي او آن را نمي پذيرد ومي گويد: آن چه را بخشيديم باز نمي ستانيم.

در اين باره سه نکته قابل توجه است:

1. يکي از عوامل رفاه عمومي در حکومت جهاني مهدوي تلاش و برنامه ريزي عالمانه در جهت آباد ساختن زمين است. آن گاه که دستگاه حکومتي همة توان و تلاش خود را به صورت درست و با نيّت خالص در جهت عمران و آباداني سرزمين ها به کار گيرد و همة افراد جامعه به تلاش مخلصانه و مدبرانه اقدام کنند، ميزان توليد و درآمد ملي هم افزايش خواهد يافت. و رفاه عمومي و همگاني ايجاد خواهد شد.

2. افزايش توليد و سرمايه هاي ملّي به خودي خود رفاه عمومي را به دنبال نخواهد داشت، بلکه در پرتو عدالت اجتماعي حاصل مي شود، يعني از يک طرف فرصت ها و امکانات به صورت عادلانه در اختيار آحاد جامعه قرار خواهد گرفت و از سوي ديگر نظام عادلانه توزيع، مانع سودجويي دلالان و انگل هاي جامعه از حاصل دست رنج توليدکنندگان مي شود. بدين جهت در سخن پيامبرصلي الله عليه وآله بي نيازي مالي افراد در حکومت مهدوي بر حاکميت و بسط عدالت در جامعه متفرع شده است.

3. در ساية رشد معنوي افراد، صفات رذيله اي چون بخل، رانت خواري، حرص و آز از جامعه رخت بر مي بندد، و انسان ها در پي مال اندوزي از هر طريق و به هر کيفيت نمي باشند، از اين روي وقتي اعلان مي شود که هر کس به مال نياز دارد اظهار نمايد تنها يک نفر بر مي خيزد و سرانجام از کار خود پشيمان مي شود.

8. دوستي خالصانه

آن گاه زندگي اجتماعي لذت بخش و آکنده از صفا و صميميت است که افراد جامعه در ارتباط اجتماعي و خانوادگي خود به يک ديگر مهر بورزند و رابطة آنان بر اساس صداقت، محبت و دوستي خالصانه باشد؛ بدبيني، بدگماني، حسادت، بخل، کينه و ديگر اوصاف رذيله از دل هاي آنان زدوده گردد. هرگاه اين صفات ناپسند از ميان آدميان رخت بر بندد و صفات پسنديده جايگزين آنها شود زندگي، سعادتمندانه اي خواهند داشت. لذا آن چه زندگي اخروي مؤمنان و پارسايان را بهشتي مي سازد، محبت ورزي و دوستي خالصانه ميان آنان است، قرآن کريم در اين باره مي فرمايد:

(و نزعنا ما في صدورهم من غلّ اخوانا علي سرر متقابلين) .

"کينه ها وحسادت ها را از دل هاي آنان مي زداييم درنتيجه آنان دربهشت برتخت هايي رو در روي يک ديگر مي آرمند".

همة پيامبران الهي پيام آوران و پرچمداران محبت و دوستي خالصانه و بي شائبه بودند و توانستند در زمان خود با توجه به شرايط موجود به صورت نسبي به اين هدف دست يازند، اما شکل ايده آل و همه جانبة آن در حکومت مهدوي تحقق خواهد يافت. حديث ذيل در بارة برقراري رابطه دوستي خالصانه در عصر مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف است که بسيار در خور توجه مي باشد:

به امام باقر عليه السلام گفته شد: اصحاب ما در کوفه بسيارند اگر آنان را به قيام فرمان دهي، اطاعت خواهند کرد. امام عليه السلام فرمود: آيا رابطة آنان با يک ديگر بدين گونه است که يکي از آنان بدون اجازه از ديگري اندوخته مالي او را به اندازه نياز خود بردارد؟ آن فرد پاسخ داد: خير. امام عليه السلام فرمود: آنان که نسبت به مال خود بخل مي ورزند، در مورد خون خويش بخيل تر خواهند بود. آن گاه افزود: اين وضعيت ادامه خواهد داشت تا اين که قائم ماعجل الله فرجه اشريف قيام کند، در آن زمان دوستي خالصانه ميان مردم برقرار خواهد شد؛ به گونه اي که فردي از اندوختة برادر ديني اش آنچه را که نياز دارد بدون اين که منعي در ميان باشد، بر مي دارد.

9. رهايي بشريت از آتش فتنه هاي شيطاني

واژة فتنه در اصل به معناي آزمودن است چنان که در قرآن کريم و روايات در موارد متعددي به اين معنا به کار رفته است. گاهي به ناملايمات و شدايد نيز از آن جهت که وسيله آزمايش افراد مي باشند فتنه گفته مي شود، لذا در بعضي موارد مال و فرزند نيز فتنه ناميده شده است. از سوي ديگر، فاعل فتنه اگر خداوند باشد قطعاً حکيمانه و پسنديده خواهد بود، ولي هرگاه از بشر سر زند مي تواند ناپسند و مذموم باشد، چنان که کاربردهاي قرآني آن درباره انسان ناظر به معناي نکوهيدة آن است.

در هر حال، فتنه هاي نکوهيدة آدميان ريشه در خصلت هاي نفساني و شيطاني آنان دارد. خودخواهي، حسادت، افزون طلبي، انتقام جويي کينه توزانه و نظاير آن ريشه هاي رواني و نفساني فتنه ها و آشوب ها مي باشند که به صورت آشکار و پنهان فضاي زندگي اجتماعي را مکدّر و آشفته مي سازند.

حال يکي از دست آوردهاي حکومت جهاني مهدوي اين خواهد بود که فتنه گري ها از ميان مي رود و دل ها با يک ديگر مهربان گرديده، صميميت و هم دلي فضاي زندگي اجتماعي را عطرآگين و مبارک مي سازد؛ در حديث نقل شده که اميرالمؤمنين عليه السلام فرموده:

از پيامبرصلي الله عليه وآله پرسيدم آيا مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف از خاندان ما است يا از خاندان ديگر؟ پيامبرصلي الله عليه وآله فرمود: از خاندان ماست و همان گونه که دين اسلام با ما آغاز گرديد با ما نيز پايان مي يابد، و همان طور که امت ما از شرک رهايي يافت از فتنه ها نيز نجات مي يابد و چنان که به واسطه ما عداوت هاي ناشي از فرهنگ جاهلي به الفت و هم دلي مبدل شد، دل هاي آنان پس از عداوت هاي ناشي از فتنه نيز به وسيله ما به يک ديگر مهربان خواهد شد و فتنه گري ها شکل اخوت ديني به خود خواهند گرفت.

از قرار گرفتن لفظ فتنه با شرک در کنار هم مي توان گفت که مقصود از فتنه در اين حديث، نفاق و ديگر خصلت هاي شيطاني و نفساني است که بسياري از انسان هاي يکتاپرست به آنها آلوده مي باشند. اين صفات نکوهيده منشأ رفتارهاي غيرانساني و غيراخلاقي گشته و انسان را از "حيات طيبه" بي بهره يا کم بهره مي سازند. در جامعة مهدوي اين رذايل شيطاني يا به کلي از بين مي روند يا به حداقل کاهش مي يابند و در نتيجه مردم از موهبت حيات طيبة الهي به طور کامل بهره مند مي شوند.

10 . تکامل عقول

در جهان بيني توحيدي عقل جايگاهي بس بالا و والا دارد. عاقلان نيز از حرمت و کرامت ويژه اي برخوردارند. يکي از امتيازات پيامبران الهي برتري عقلي آنان بر ديگران بوده است، آنان در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنيوي و اخروي هدايت کنند، در احاديث آمده است که انجام فرايض ديني به تنهايي نشان گر کمال و تعالي شخصيت انسان نيست، بلکه کمال عقل است که نشان دهندة تکامل شخصيت انسان است. البته، مقصود از عقل آن است که انسان را به خداشناسي، خداپرستي و جلب نعمت هاي الهي سوق دهد.

به عبارت ديگر: آن چه در ستايش عقل آمده عقل قدسي است که در حوزة نظر، انسان را به معرفت درست خداوند رهنمون بوده و در حوزة عمل او را به تسليم در برابر اوامر و نواهي الهي بر مي انگيزد.

در طول تاريخ در پرتو هدايت هاي پيامبران و حکيمان الهي، انسان هاي بسياري از موهبت کمال عقلي برخوردار شدند، اما بسيار اندک بودند. اما در حکومت مهدوي اين پديدة مبارک گسترش خواهد يافت و عموم بندگان خدا را شامل خواهد شد. چنان که از امام باقر عليه السلام روايت شده که فرمود:

"اذا قام قائمنا وضع يده علي رؤس العباد فجمع به عقولهم وکملت به احلامهم ".

"هنگامي که قائم ما قيام کند دست خود را بر سر بندگان خدا مي نهد به واسطة آن عقول آنان به کمال مي رسد".

لذا در پرتو تعاليم و ارشادهاي حکيمانة امام عصرعجل الله فرجه اشريف و آمادگي بشر براي بهره مندي از تعاليم الهي همگان از دانايي و حکمت در حد بالايي برخوردار خواهند شد، و هيچ گونه سخني يا رفتار جاهلانه و سفيهانه اي نخواهند داشت.

11. تکامل علوم

علم و دانش يکي از مکارم و مفاخر انساني است. حضرت آدم عليه السلام به دليل اين که از موهبت "علم الاسماء" بهره مند بود، مسجود فرشتگان گرديد. طبق احاديث اسلامي، مرکّب دانشمندان بر خون شهيدان برتري دارد. اگر مؤمن غيردانشمند از درجه اي از کمال معنوي برخوردار است، مؤمن دانشمند داراي درجاتي از کمال معنوي خواهد بود.

علم و دانش انواع و مراتب بسياري دارد و جز پيامبران و اولياي خاص خداوند که از علوم مختلف و مراتب آن بهره مند بوده اند (البته با توجه به اصل تفاضل ميان آنان) اکثريت انسان ها تنها در زمينه هايي خاص و به صورت محدود به آن دست يافته اند. يکي از دست آوردهاي حکومت مهدوي اين است که علم و دانش در همة ابعاد آن گسترش يافته و افراد جامعه از کامل ترين مواهب علمي برخوردار خواهد گرديد. از امام صادق عليه السلام روايت شده است که فرمود:

علم از بيست و هفت حرف تشکيل شده است، مجموع علومي که پيامبران آورده اند دو حرف از اين حروف بيست و هفت گانه بوده است و هنگامي که قائم ماعجل الله فرجه اشريف قيام کند بيست و پنج حرف ديگر را در ميان مردم منتشر خواهد ساخت و در نتيجه علوم به طور کامل در اختيار بشر قرار خواهد گرفت.

12. محو بدعت ها و احياي سنّت ها

سنّت عبارت است از: آن چه پيامبر گرامي اسلامصلي الله عليه وآله به عنوان راه و رسم زندگي مطلوب و تبيين قرآن کريم به امت اسلامي آموخت.

پيامبرصلي الله عليه وآله براي حفظ و فهم کتاب و سنت، امت اسلامي را به صورت مؤکد به پيروي از عترت خويش توصيه کرد اما آنها به اين سفارش به طور شايسته عمل نکردند و در نتيجه بدعت هايي در حوزة تفکر اسلامي پديد آمد. ولي اساس نامه و منشور حکومت جهاني مهدوي چيزي جز کتاب و سنت در شکل اصيل و صحيح آن نخواهد بود. از آن جا که مهدي موعودعجل الله فرجه اشريف وارث علوم نبوي است، بدعت ها و سنت ها را به خوبي مي شناسد. قبل از هر چيز بدعت ها را از دامن فرهنگ و تفکر اسلامي مي زدايد و سنت هايي که متروک و مهجور مانده اند احيا و اجرا مي کند. امام باقر عليه السلام در اين باره فرموده است:

"اذا قام القائم لايترک بدعة الاّ ازالها، و لاسنّة الا أقامها" .

"هنگامي که قائمعجل الله فرجه اشريف قيام کند بدعت ها را زايل مي سازد و سنت ها را بر پا مي دارد."

اين موارد دوازده گانه نمونه هايي از مهم ترين دست آوردهاي حکومت جهاني مهدوي است که مجموعة آنها جامعه اي آرماني و ايده آل تشکيل مي دهد و "حيات طيبه" قرآني را به عنوان عالي ترين ارمغان، به جامعه انساني عرضه مي نمايد.

چنين جامعه اي است که مطلوب و محبوب بشريت است، به همين سبب حکومت جهاني مهدوي با استقبال عمومي مواجه خواهد شد، و جز مستکبران که حيات شيطاني خود را در چنين جامعه اي در خطر مي بينند با آن مخالفت نخواهند کرد؛ گرچه آنان نيز گرفتار خشم توده هاي عدالت جو، تعالي خواه و آرمان طلب خواهند شد.

------------------

پي نوشت:

1. انبياء، 105.

2. قصص، 5.

3. نور، 55.

4. تفسير برهان، ج 3، صص 146-150.

1. حج، 41.

2. منتخب الاثر، ص 470.

3. سنن ابي داود، ص 671، ح 4282 و ص 672، ح 4285؛ منتخب الاثر، صص 142-143؛ المستدرک علي الصحيحين، ج 4، ص 600، ح 8669.

4. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 209.

5. شرح نهج البلاغه، ج 19، ص 26.

1. کمال الدين و تمام النعمة، ج 1، ص 331.

1. (کان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وانزل معهم الکتاب بالحقّ ليحکم بين الناس فيمااختلفوافيه). (بقره، 213).

2. (لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الکتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط). (حديد، 25).

3. (انما وليکم الله و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکوة و هم راکعون). (مائده، 55).

1. نمل، 36.

1. اعراف، 59، 65، 73 و 85.

2. توبه، 33.

3. الدرالمنثور، ج 4، ص 161.

4. البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 121.

1. مجمع البيان، ج 3، ص 25.

2. آل عمران، 83.

3. تفسير عياشي، ج 1، ص 183.

1. همان، نيز ر.ک: تفسير صافي، ج 2، ص 73.

2. انبياء، 105.

3. حج، 41.

1. مائده، 54.

2. منتخب الاثر، ص 475.

3. همان، ص 474.

4. همان.

1. نهج البلاغه، عهد نامة مالک اشتر.

2. نورالابصار، ص 347؛ ينابيع المودة، ج 2، ص 528.

1. نهج البلاغه، خطبه 131.

2. منتخب الاثر، ص 308.

3. همان؛ ينابيع المودة، ص 480.

1. نهج البلاغه، عهد نامه مالک اشتر، (53).

2. ينابيع المودة، ج 2، ص 529.

3. شيخ صدوق، امالي، ص 231.

1. منتخب الاثر، ص 168.

2. الميزان، ج 20، ص 366.

3. قريش، 3-4.

1. منتخب الاثر، ص 473؛ المستدرک علي الصحيحين، ج 4، ص 558.

2. بحارالانوار، ج 52، ص 337.

3. نورالابصار، ص 347؛ ينابيع المودة، ص 528.

1. حجر، 47.

1. بحارالانوار، ج 52، ص 372.

2. مفردات راغب، صص 371-372، کلمه فتنه.

1. نورالابصار، ص 347.

2. اصول کافي، ج 1، کتاب العقل و الجهل، ح 11.

1. همان، ح 8 و 9.

2. "العقل ما عبد به الرحمن واکتسب به الجنان"، اصول کافي، ج 1، کتاب العقل والجهل، ح 2.

3. منتخب الاثر، ص 483.

4. بقره، 31.

5. بحارالانوار، ج 2، ص 14.

6. (يرفع الله الذين آمنوا والذين اوتوا العلم درجات)، (مجادله، 11)، ر.ک: الميزان، ج 19، ص 188.

1. بحارالانوار، ج 52، ص 336.

2. بحارالانوار، ج 52، ص 339.